

بررسی مقررات بخش کشاورزی ایران در پرتو موافقت نامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت

محسن صادقی *

استادیار موسسه حقوق تطبیقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمود جعفری چالستری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۴/۱۹)

چکیده:

هر کشوری که خواهان عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) است، باید مجموعه قوانین داخلی خود را با اصول و موافقت‌نامه‌های این سازمان هماهنگ کند. کشاورزی یکی از بخش‌هایی است که باید با اصول سازمان مذکور همسو باشد. به این موضوع، در مذاکرات «دور اروگوئه» در قالب «موافقت‌نامه کشاورزی» پرداخته شد. کشور ایران در بخش کشاورزی نیز، باید قوانین خود را با مقررات سازمان جهانی تجارت و این موافقت‌نامه هماهنگ کند. به همین جهت، در این مقاله، که برای رفع خلا ادبیات حقوقی کشور در این زمینه ارائه گردیده است، در فصل اول به بررسی سیر تاریخی موافقت‌نامه، در فصل دوم به تشریح اصول اساسی موافقت‌نامه و سازمان جهانی تجارت می‌پردازیم، آنگاه در فصل بعد، اقدام به بررسی اهم قوانین مغایر ایران در بخش کشاورزی کرده و در پایان، ضمن بر شمردن قوانین مغایر، راهکارهای پیشنهادی خود را به قانون‌گذار ارائه می‌دهیم.

واژگان کلیدی:

موافقت‌نامه کشاورزی، سازمان جهانی تجارت، حقوق ایران، اصل دسترسی به بازار، اصل کاهش حمایت‌های داخلی، اصل کاهش یارانه‌های صادراتی.

مقدمه

دولت‌ها به دلایل مختلفی از جمله افزایش درآمد خود یا حمایت از بعضی صنایع خاص، در امر تجارت دخالت می‌کنند (Bernard, 2002, pp. 57-58). سازمان جهانی تجارت این دخالت اعضا در امور تجارت را تنظیم و کنترل می‌کند. تجارت کالا (کالاهای صنعتی و کالاهای کشاورزی) و خدمات دو نوع عمده تجارت در این سازمان محسوب می‌شوند. «گات» (GATT)، رویکرد خاص و ویژه‌ای نسبت به کالاهای کشاورزی داشت. در واقع، این رفتار ویژه در شکل قواعد سهل‌تر حاکم بر تجارت محصولات کشاورزی در مقایسه با تجارت کالا در درون گات تبلور پیدا کرد. به موازات افزایش حمایت از تولیدات کشاورزی در کشورهای توسعه یافته، تولید این محصولات از مرز نیاز داخلی آنها فراتر رفت؛ آنها برای خلاصی از این معضل دست به اعطای یارانه‌های صادراتی زدند که این امر موجب روانه شدن محصولات کشاورزی ارزان به بازار جهانی و افت شدید قیمت‌ها شد که منجر به افزایش فشار به کشاورزان کشورهای درحال توسعه گشت و در نتیجه آنها نتوانستند محصولات خود را به قیمت مناسب بفروشند. در این شرایط بود که «مذاکرات دور اروگوئه» (Uruguay Round) آغاز شد و منجر به گنجاندن مساله تجارت محصولات کشاورزی در سازمان جهانی تجارت گشت. در واقع تا قبل از مقررات دور اروگوئه، محصولات کشاورزی از تعهدات گات معاف بوده‌اند (Schoenbaum, 1993, p. 6). البته گات مقرر کرده بود کشورهای می‌خواهند در مورد تولیدات کشاورزی یارانه وضع کنند، باید مقدار، ماهیت، اثرات احتمالی و شرایطی که پرداخت یارانه را ضروری کرده است، به سازمان اطلاع دهند (Figueroa, 1995, p. 95). موافقت‌نامه کشاورزی از این جهت مهم است که در واقع برای اولین بار بعد از گات، به مقررات کشاورزی به صورت مجزا پرداخته است.^۱ البته عده‌ای معتقدند این موافقت‌نامه به‌طور کلی در راه رسیدن به اهداف خود ناکام بوده است (Gonzalez, 2006, p. 35).

در این موافقت‌نامه از موضوعات مختلفی یاد شده است؛ اما ساختار اصلی موافقت‌نامه بر سه محور «اصل دسترسی به بازار»، «اصل کاهش حمایت‌های داخلی» و «اصل کاهش یارانه‌های صادراتی» استوار است.^۳ لذا در این مقاله تمرکز ما بر روی این اصول خواهد بود.

۱. از این موافقت‌نامه به اختصار، به "AOA" (Agreement On Agriculture) یا "URAA" (Uruguay Round Agreement on Agriculture) یاد می‌شود.

۲. این موافقت‌نامه دارای ۲۵ ماده و ۵ ضمیمه است. برای مراجعه به متن اصلی آن به سایت (www.wto.org) و برای دیدن ترجمه آن، به کتاب «اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت» (ترجمه: گروه مترجمان) که در بخش منابع نیز آمده است، مراجعه شود.

۳. دو اصل حمایت داخلی و یارانه‌های صادراتی از این جهت به هم شبیه هستند که هر دو به موضوع یارانه‌ها پرداخته‌اند.

می‌دانیم هر کشوری که خواهان پیوستن به سازمان جهانی تجارت است، باید در گام اول در جهت یکسان‌سازی تجاری، مجموعه قوانین خود را با سازمان جهانی تجارت هماهنگ کند. ایران هم برای این که بتواند از تحولات جهانی شدن تجارت عقب نیفتد بالاچار باید دیر یا زود مقدمات الحاق خود را به سازمان فراهم کند و در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی در جهت هماهنگ‌سازی قانونی گام بردارد. در اولین اقدام باید قوانین مغایر با اصول سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های آن شناسایی، و در مرحله بعد راهکارهایی در جهت رفع و اصلاح آنها ارائه گردد.

به رغم اهمیت فراوان موضوع مزبور، این امر در ادبیات حقوقی ما مورد توجه علمی و کاربردی جدی قرار نگرفته و حتی مقاله مستقل حقوقی‌ای به این مقوله اختصاص نیافته است. آنچه در پیش روست، برای رفع نسبی خلأ تحقیقات حقوقی در این زمینه نگاشته شده است. نتایج این نوشتار از چند جهت حائز اهمیت است؛ اولاً؛ برخی قوانین و مقررات کشور ما در زمینه کشاورزی که با اصول موافقت‌نامه مغایرت داشته شناخته شده و ایران به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت^۱ باید از هم اکنون و تا قبل از الحاق به این سازمان، مغایرت‌ها را شناسایی و رفع کند؛ در این مقاله در این زمینه راهکارهایی ارائه شده است. ثانیاً؛ ضمن بررسی قوانین، بیان می‌گردد که هر یک از این قوانین با کدام یک از اصول موافقت‌نامه یا سازمان هماهنگ نیست و در ذیل آنها راهکارهای پیشنهادی خود را به قانون‌گذار جهت هر چه بهتر شدن مقررات قانونی کشور و گروه مذاکراتی الحاق ایران به این سازمان ارائه می‌دهیم.^۲

بدین منظور در جهت پاسخ به این سوال که مقررات ایران در بخش کشاورزی تا چه حد با آن هماهنگ است، در ابتدا به بیان پیشینه‌ای مختصر از موضوع پرداخته و در فصل بعد اصول موافقت‌نامه را تشریح می‌کنیم. پیش از مطالعه این موضوع، از آنجایی که موافقت‌نامه کشاورزی جزء لاینفک سازمان جهانی تجارت است، برای درک بهتر اصول این موافقت‌نامه به بررسی کوتاه اصول اساسی این سازمان که مرتبط با موافقت‌نامه است می‌پردازیم. در فصل آخر، اهم قوانین و مقررات ایران که با اصول موافقت‌نامه در تضاد است، مورد شناسایی و

۱. ایران در ۵ خرداد ۱۳۸۴ به عضویت ناظر سازمان تجارت جهانی در آمده است. عضو ناظر هر چند می‌تواند در نشست‌های سازمان شرکت کند، اما بر خلاف عضو دائمی یا رسمی، حق رای ندارد.

۲. البته مقاله‌ای تحت عنوان «آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر مقررات ناظر به یارانه‌های کشاورزی» از عبدالحسین شیروی، در شماره ۱۹ و ۲۰، زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹ در مجله نامه «اقتصاد و تجارت نوین» انتشار یافته است که مقاله پیش رو از این جهت جدید محسوب می‌شود که از محتوای حقوقی بیشتری برخوردار است. همچنین قوانین و مقررات جدیدی با تفکیک و تطبیق آنها بین اصول موافقت‌نامه مورد بررسی قرار گرفته و نه تنها به تحلیل بخش یارانه‌های مذکور در موافقت‌نامه پرداخته بلکه سایر اصول آن را تحلیل کرده و لذا دارای جامعیت بیشتری است.

تحلیل قرار می‌گیرد. در پایان هم با توجه به تحلیل‌های به عمل آمده از موافقت‌نامه و بررسی آن با قوانین ایران، نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

فصل نخست) پیشینه موافقت‌نامه کشاورزی در سازمان جهانی تجارت

هدف اصلی گات، توسعه تجارت جهانی و رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی بود. کشاورزی اگرچه تحت شمول گات بود، اما قبل از سازمان جهانی تجارت، قواعدی که برای محصولات اولیه کشاورزی اجرا می‌شد در واقع انحرافی از قواعد عمومی به شمار می‌آمد. به عبارت دیگر، گات به کشورها اجازه استفاده از یارانه‌های صادراتی^۱ در کالاهای اولیه کشاورزی را می‌داد، در عین حال که استفاده از یارانه‌های صنعتی ممنوع بود (Echolsthe, 1981, p. 7) لذا مذاکرات تجاری چند جانبه دور اروگوئه نقطه عطفی در کشاورزی جهان محسوب می‌شود. هدف از طرح این موافقت‌نامه همان‌طور که در مقدمه آن آمده است، «ایجاد یک نظام عادلانه و متمایل به تجارت محصولات کشاورزی است» (اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت، ۱۳۸۶، ص ۴۹). بر این اساس، کشورها موافقت نمودند براساس یک برنامه زمان بندی شده، از میزان تعرفه‌های یارانه‌های صادراتی و حمایت‌های داخلی محصولات خود بکاهند و درضمن، موانع غیر تعرفه‌ای را به معادل تعرفه‌ای آنها تبدیل نمایند^۲. علت این امر آن است که برخلاف اصول کلی گات، نظیر: عدم تبعیض، شفافیت، تثبیت نرخ تعرفه‌ها، «رویکرد گات در عمل به سمتی سوق پیدا کرد که رفتار ویژه‌ای با بخش کشاورزی داشته باشد» (میر هادی سیدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۱). علت این رفتار ویژه، مسائل استراتژیک (تامین غذا) و عوامل اقتصادی (درآمد کشاورزان، قیمت معقول برای مصرف کننده) و تاثیرات سیاسی و ارزش‌های فرهنگی بود (Cardwell, 2003, p. 29).

فصل دوم) بررسی اصول سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه کشاورزی

در این فصل ابتدا به بیان اهم اصول سازمان تجارت جهانی که با مقررات موافقت‌نامه کشاورزی در ارتباط است، پرداخته، آنگاه به تشریح اصول موافقت‌نامه کشاورزی می‌پردازیم.

۱. یارانه‌های صادراتی، کلیه پرداخت‌هایی است که از طرف دولت در جهت حمایت از صادرات کالاهای داخلی انجام می‌شود. در ادامه به طور مفصل‌تر به توضیح آن پرداخته خواهد شد.
 ۲. در ادامه به توضیح این مفاهیم پرداخته می‌شود.

بخش اول) اصول کلی سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت در راه رفع موانع تجاری موجود در سطح بین‌المللی، ایجاد هر نوع مانع تجاری به غیر از موانع تعرفه‌ای گمرکی را ممنوع کرده است (ماده ۱۱ گات). این ماده بیانگر «اصل تضمین آزادی تجاری» است. اصل مذکور بدین معنا است که چون کشورها از آزادی تجاری سود بیشتری می‌برند و از طرفی هر کشوری در یک یا چند بخش دارای «مزیت نسبی» است، که طبیعتاً هزینه تولید کالا کمتر است، پس بهتر است محدودیت‌های آزادی تجاری برداشته شود تا فضای رقابتی فراهم شده و همه بتوانند از کالاهای ارزان برخوردار شوند.

یکی دیگر از اصول سازمان جهانی تجارت «کاهش تعرفه‌های گمرکی» است؛ در حالی که مقررات سازمان مقرر می‌دارد کلیه موانع «غیرتعرفه‌ای» باید حذف شود، موافقت‌نامه کشاورزی راهکار دیگری پیشنهاد کرده است که در واقع، «تعرفه‌ای کردن» موانع غیر تعرفه‌ای است (در صفحات آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد). در اجرای این اصل، کلیه اعضا متعهد شده‌اند از میزان تعرفه‌های خود بکاهند و این امر در قالب مذاکرات دو جانبه و چند جانبه‌ای است که در فرایند الحاق یک کشور صورت می‌گیرد.

از دیگر اصول سازمان جهانی تجارت که مرتبط با موافقت‌نامه کشاورزی است، «اصل حذف کلیه تبعیض‌های تجاری» است. در حقیقت، یکی از رفتارهای تبعیض آمیز این است که کالاهای تولید داخل نسبت به کالاهای وارداتی از امتیازات مساعدتری برخوردار باشند (ماده ۳ گات) (شیروی، ۱۳۹۰، ص. ۸۸).

بخش دوم) اصول مختص موافقت‌نامه کشاورزی

هدف موافقت‌نامه کشاورزی ایجاد یک نظام عادلانه و متمایل به بازار آزاد در تجارت بین‌الملل محصولات کشاورزی است. این موافقت‌نامه به خودی خود منجر به آزادسازی تجارت تولیدات کشاورزی نمی‌شود؛ بلکه موانع پیش روی تجارت آزاد را کم می‌کند (Cardwell, 2003, p. 28). با این اقدامات کشورها نمی‌توانستند به یک آزادسازی تجاری دست یابند. در هر حال اعضا، در راه رسیدن به این هدف اقدام به رعایت اصول ذیل کردند. این اصول عبارتند از: کاهش حمایت داخلی، کاهش یارانه‌های صادراتی، دسترسی به بازار. در زیر به مفاد این اصول می‌پردازیم.

الف) اصل الزام به کاهش حمایت‌های داخلی

حمایت داخلی شامل تمام سیاست‌های کشاورزی در یک کشور می‌شود که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با هدف تاثیر بر کشاورزی داخلی و درآمد روستایی، استفاده از منابع، تولید، مصرف محصولات کشاورزی و تاثیراتی که کشاورزی روی محیط زیست دارد، انجام می‌شود (Cardwell, 2003, p. 33).

موافقت‌نامه کشاورزی در مورد حمایت‌های داخلی، دو الزام را مطرح می‌کند:

۱) کاهش مجموع «میزان کلی حمایت» به صورت تدریجی (Aggregate Measurement of Support

«مجموع میزان کلی حمایت»، کل حمایت داخلی یک کشور از بخش کشاورزی آن را نشان می‌دهد که تعهدات کاهش‌ی یک کشور براساس آن، در دوره پایه (88-1986) تنظیم می‌شود. در صورتی که در یک سال خاص از دوره اجرا، مجموع میزان کلی حمایت داخلی کشور معادل یا کمتر از سطح تعهد درج شده در جدول تعهدات آن کشور در آن سال باشد، به این معنی خواهد بود که آن کشور به تعهدات خود در زمینه کاهش حمایت‌های داخلی عمل کرده است (سیدی، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۲).

۲) معافیت از تعهدات کاهش‌ی در قالب جعبه‌های مختلف؛

موافقت‌نامه، برخی از حمایت‌ها را از تعهدات کاهش‌ی^۱ معاف کرده و برخی دیگر را مشمول این تعهدات قرار داده است (سیدی، ۱۳۷۵، ص. ۱۹۹). در واقع حمایت‌های داخلی دو دسته‌اند که عبارتند از: حمایت داخلی بدون تاثیر در تجارت و حمایت داخلی با تاثیر انحرافی تجاری. به طور مثال تحقیقات یا آموزش‌های کشاورزی توسط دولت جزء دسته اول و خرید تضمینی توسط دولت در دسته دوم قرار می‌گیرد و این قبیل اقدامات است که مورد بحث است. قبل از بیان چهار گروه از یارانه‌های داخلی (جعبه‌های مختلف) باید گفت که این یارانه‌ها اولاً به طور موقت (تا سپتامبر ۲۰۰۷) می‌باشد؛ ثانیاً فقط در اختیار ۴۸ کشور در حال توسعه عضو قرار داشتند (Melendez ortz, 2009, p. 375). زیرا فقط این کشورها بودند که به این حمایت‌ها احتیاج داشتند. براساس موافقت‌نامه کشاورزی، حمایت‌های معاف از تعهدات کاهش‌ی^۲ در چهار گروه قرار می‌گیرند:

۱. تعهدات کاهش‌ی بدین معنا است که کشور عضو باید در یک بازه زمانی معین نرخ حمایت‌های خود را تا اندازه معینی کاهش دهد و نهایتاً حذف کند. وقتی اقدامی از تعهد کاهش‌ی معاف است یعنی این که آن کشور عضو مکلف نیست که در آن بازه زمانی اقدام به کاهش یا حذف فعالیت مذکور کند.

۲. مطابق ضمیمه دو موافقت‌نامه، خدمات عمومی دولتی، ذخیره‌سازی عمومی به منظور حفظ غذا، کمک‌های غذایی داخلی، پرداخت‌های مربوط به جبران بلایای طبیعی، پرداخت طبق برنامه‌های زیست محیطی و ... از تعهدات کاهش‌ی معاف هستند.

الف) اقدامات مجاز (جعبه سبز) (Green Box)

مطابق ضمیمه ۲ موافق نامه کشاورزی، اقدامات حمایت داخلی که آثار مختل کننده در تجارت یا تولید نداشته یا چنین آثاری را در کمترین حد خود داشته باشند، اقدامات جعبه سبز قلمداد شده، از تعهدات کاهش می‌دهند^۱ (Ingco, 2004, p. 132).

ب) حمایت‌های مربوط به محدود کردن تولید (اقدامات جعبه آبی) (Amber Box)

بند ۵ ماده ۶ موافقت‌نامه مزبور، پرداخت‌های مستقیم به تولیدکنندگان کشاورزی به منظور محدود کردن تولید و توسعه روستایی و کشاورزی، در کشورهای در حال توسعه را از تعهدات کاهش می‌دهد. از آنجایی که کشورهای توسعه یافته دارای مازاد تولید بودند و نمی‌توانستند همه تولیدات خود را صادر کنند، با پرداخت این یارانه‌ها به کشاورزان، آنها را مجبور به کاهش تولید کردند (Bonilla, 2006, p. 18).

پ) یارانه‌های توسعه‌ای (جعبه توسعه) (Developing Box)

بر اساس بند ۲ ماده ۶ موافقت‌نامه کشاورزی، در مورد «کشورهای در حال توسعه» که یارانه‌های سرمایه‌گذاری عموماً در دسترس بخش کشاورزی جهت توسعه آن قرار می‌گیرند و همچنین یارانه‌های مربوط به نهاده‌های کشاورزی که عموماً در دسترس تولیدکنندگان کم درآمد یا کسانی که از لحاظ منبع فقیر هستند، می‌باشد، از تعهدات کاهش می‌دهد. داخلی معاف شده‌اند (زارع، ۱۳۸۸ الف)، صص. ۱۵-۱۶).

ت) اقدامات ممنوع (جعبه زرد) (Yellow Box)

اقداماتی است که مطابق ماده ۶ موافقت‌نامه توسط کشور انجام می‌گیرد و مختل کننده تجارت محسوب می‌شود. این اقدامات مشمول تعهدات کاهش می‌دهند. در واقع کلیه حمایت‌های داخلی یک عضو به نفع تولیدکنندگان کشاورزی که مشمول موارد سه گانه فوق نباشد اعم از حمایت‌های قیمتی، پرداخت‌های مربوط به نهاده‌های تولیدی، پرداخت به کشاورزان و تولیدکنندگان محصولات کشاورزی بابت تولید مشخص و... مشمول تعهدات کاهش می‌شوند.

۱. برخی از این اقدامات عبارتند از: خدمات و حمایت‌هایی از قبیل تحقیق، کنترل آفات و امراض، خدمات آموزشی، خدمات بازار یابی، خدمات زیرساختی یا حمایت‌های مربوط به ذخیره‌سازی عمومی برای تأمین امنیت غذایی؛ حمایت از درآمد کشاورزان مشروط به مجزا نمودن آنها از تولید، پرداخت‌های مربوط به جبران بلایای طبیعی، بیمه محصولات و

ب) اصل کاهش یارانه‌های صادراتی

برای رهایی از ضرری که یارانه‌های صادراتی در پی دارد، موضوع کاهش یارانه‌های صادراتی بخش کشاورزی در دستور کار مذاکرات دور اروگوئه قرار گرفت. توافق نهایی حاصل شده، تنها به کاهش این یارانه‌ها منجر شد، نه حذف آنها. (همان، صص. ۱۶-۱۷). در حقیقت، موافقت‌نامه به‌طور کلی با استفاده از یارانه‌ها مخالفت نکرده بلکه صرفاً کاهش سطح یارانه‌ها^۱ را مقرر کرده است (سیدی، ۱۳۷۵، ص. ۲۰۶، و امید بخش، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). اما براساس آخرین توافق بین اعضا^۲ مقرر گردید تا پایان سال ۲۰۱۳ کلیه یارانه‌های صادراتی باید کنار گذاشته شوند (Gonzalez, 2006, p. 31).

به همین دلیل سازمان جهانی تجارت، استفاده از این‌گونه یارانه‌ها مخالفت کرده و آن را مخالف اصول آزادی تجاری و اصل عدم وجود تبعیض‌های تجاری می‌داند.

ماده ۸ موافقت‌نامه بیان می‌دارد که هر عضو تعهد می‌نماید هیچ‌گونه یارانه صادراتی جز در موارد استثنایی^۳ پرداخت نکند. بند (ه) ماده یک یارانه‌های صادراتی را به «یارانه‌های وابسته به عملکرد صادرات» تعریف کرده است. یارانه اغلب در مقابل «مالیات» به کار می‌رود. در واقع یارانه: «مقداری وجه نقد است که به وسیله دولت در جهت کمک به ارتقای هر نوع شرکتی یا فعالیتی یا توسعه زمینه‌ای خاص که به منظور کمک به منافع عمومی است، پرداخت می‌شود»^۴ (Campbell, 1990, p. 1428). یارانه‌های ممنوع شامل یارانه‌های صادراتی و یارانه‌هایی است که هدف آنها تشویق استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای وارداتی است. پس همه یارانه‌های اعطایی در تضاد با اصول سازمان جهانی تجارت نیستند (Bagwell, 2010, p. 33). یارانه‌های صادراتی به صورت پرداخت‌های مستقیم، اعطای معافیت‌های مالیاتی و همچنین پرداخت وام به صادرکنندگان بالقوه و بالفعل و یا اعطای وام‌های کم بهره به خریداران خارجی به منظور رونق و شکوفایی صادرات انجام می‌گیرد.

۱. البته باید ذکر کرد که این مقرر موافقت‌نامه کشاورزی، با «موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی» که تمام یارانه‌های صادراتی را غیرقانونی می‌داند در تضاد است.

۲. مقررات مربوط به «یارانه‌های صادراتی» برای تمام و از جمله کشورهای با حداقل توسعه یافتگی قابل اجرا است؛ در حالی که همان طور که قبلاً گفته شد، مقررات مربوط به حمایت داخلی فقط در مورد کشورهای در حال توسعه مجری است.

۳. یعنی آنچه که در جدول تعهدات کشورها مشخص شده است. البته باید توجه داشت همان طور که گفته شد این استثنائات در مدت محدودی که در موافقت‌نامه بیان شده است، مجری هستند.

۴. موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، تعریف دقیق و روشنی نیز از یارانه ارائه می‌دهد. طبق ماده ۱ این موافقت‌نامه برای آنکه یک اقدام متضمن یارانه باشد باید شروط زیر احراز شود: ۱- کمک مالی ۲- از طرف دولت یا هر رکن عمومی دیگر باشد ۳- انتقال نوعی نفع ۴- خاص بودن.

ج) اصل دسترسی به بازار

قبل از دور اروگوئه در اغلب محصولات کشاورزی تنها شکل حمایتی که در جهانی تجارت در رابطه با تعرفه‌ها وجود داشت، تثبیت آنها بود. اما مذاکرات دور اروگوئه حذف چنین اقداماتی را وجهه همت خود قرار داد (زارع، ۱۳۸۸ ب)، ص. ۹۰).

قواعد مربوط به دسترسی به بازار در بخش ۳ موافقت‌نامه به خصوص مواد ۴ و ۵ بعلاوه ضمیمه ۵ آمده است. دسترسی به بازار حاکی از اقداماتی است که اعضا می‌توانند به منظور محدود کردن دسترسی به بازار داخلی‌شان بر روی محصولات کشاورزی خارجی در پیش گیرند (سیدی، ۱۳۷۵، ص. ۹). بند ۲ ماده ۴ موافقت‌نامه کشاورزی مقرر می‌دارد: «باید کلیه موانع و محدودیت‌های کمی واردات، مالیات‌های متغیر وارداتی، حداقل قیمت وارداتی، اعطای مجوز واردات به شیوه تبعیض آمیز و سایر اقدامات مرزی برداشته شود». همچنین، براساس بند ۲ ماده ۴ موافقت‌نامه، اعضا باید از هر اقدامی که به نوعی باعث بازگشت به همان تعرفه‌های معمول می‌شود، خودداری کنند؛ مگر براساس ماده ۵ و ضمیمه ۵ موافقت‌نامه. این اقدامات شامل محدودیت‌های مقداری و کیفی و بهداشتی واردات، وضع مالیات‌های متنوع وارداتی، تعیین حداقل قیمت وارداتی، اجازه تبعیض آمیز نسبت به واردات کالا و تجارت دولتی، نوع بسته بندی کالا، زمان ورود، شرط واردات در مقابل صادرات، واردات منوط به خرید داخلی، محل ورود، تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت و بررسی قیمت‌ها می‌شود (Gonzalez, 2006, p. 21). مطابق قواعد موافقت‌نامه کشاورزی، تامین دسترسی به بازار از طرق زیر انجام می‌گیرد:

۱- تعرفه‌ای کردن (Tariffication) موانع غیرتعرفه‌ای

«تعرفه‌ای کردن» به این معنی است که موانع مقداری را به تعرفه‌های موجود در موافقت‌نامه تبدیل کرده و دسترسی به بازار را در حد نرخ‌های تعرفه‌ای معین، برای همه کشورها فراهم کرد (Ingco, 2004, p. 64, And Chen, 2008, p. 39). در واقع، هدف از تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای این بود که صرفاً اقدامات محدودکننده و غیرمجاز (مثل سهمیه بندی) را حذف و ابزارها و اقدامات مجاز جایگزین آن شود (سیدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۵).

براساس موافقت‌نامه، تمام اعضا باید موانع غیرتعرفه‌ای را به موانع معمول تعرفه‌ای تبدیل کنند و سپس براساس جدول تعهدات کاهش خود، آنها را از بین ببرند (Smith, 2009, pp. 38-).

۲- کاهش تعرفه‌ها

یکی از اصول حاکم بر سازمان جهانی تجارت، اصل کاهش تعرفه‌های گمرکی^۱ است. هر چند در سازمان تجارت جهانی برقراری موانع تجاری ممنوع می‌باشد، برقراری تعرفه‌های گمرکی ممنوع نشده است؛ ولی دولت‌ها متعهد به کاهش آن هستند (شیروی، ۱۳۹۰، ص. ۹۶).

فصل سوم) اهم مغایرت‌های مقررات کشاورزی ایران در مواجهه با اصول موافقت‌نامه کشاورزی

چنانکه در مقدمه مقاله اشاره شد، وضعیت مقررات کشاورزی ما از حیث انطباق یا مغایرت با اصول موافقت‌نامه باید مورد بررسی علمی قرار گرفته و در موارد مغایر، راهکارهای مناسب و عملی پیشنهاد شود. لازم به ذکر است در حقوق ایران مقررات کشاورزی منطبق با موافقت‌نامه کشاورزی هم وجود دارد که برای جلوگیری از افزایش حجم مقاله فقط به ذکر «اهم قوانین» مغایر پرداخته می‌شود؛ از طرفی پرداختن به مقررات موافق سازمان و موافقت-نامه‌های آن اثر عملی چندانی ندارد.

بخش اول) قوانین مغایر با اصل کاهش حمایت‌های داخلی

الف و ب) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه (۱۳۸۹) و قانون تضمین خرید محصولات اساسی (۱۳۶۸): یکی از راهکارهای دولت ایران جهت افزایش صادرات و حمایت از تولیدکننده داخلی این است که محصولات تولیدی را به قیمت تضمین شده بخرد. این امر اگرچه ممکن است در ابتدا به نفع تولیدکننده باشد ولی در بلند مدت منجر به کاهش رقابت می‌شود. خرید تضمینی از موانع غیرتعرفه‌ای است که سیاست دولت‌ها باید در جهت حذف آن باشد؛ چراکه همه کشورها تعهد کرده‌اند که تا سال ۲۰۱۳ هیچ‌یک از این محدودیت‌ها دیگر وجود نخواهد داشت (Clapp, 2006, p. 29).

ماده ۷۸ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه مقرر می‌دارد: «دولت موظف است در جهت حمایت از تولیدات داخلی، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را با اولویت از تولیدکنندگان داخلی خرید نماید». قانون تضمین خرید محصولات اساسی نیز بیان می‌کند که به منظور حمایت از تولید محصولات اساسی کشاورزی و ایجاد تعادل در نظام تولید و جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی و ضرر و زیان کشاورزان، دولت موظف است همه ساله خرید

۱. کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در تعهد مربوط به کاهش تعرفه‌های خود باید معدل تعرفه‌ای محاسبه شده را به ترتیب طی یک دوره ۶ و ۱۰ ساله به ترتیب ۳۶ و ۲۴ درصد کاهش می‌داند.

محصولات اساسی کشاورزی (گندم، سیب‌زمینی و حبوبات ...) را تضمین نموده و حداقل قیمت خرید تضمینی را اعلام نماید. این ماده واحده که در سال ۱۳۷۲ مورد بازنگری قرار گرفت محصولات دیگری را مشمول فهرست محصولات اساسی قانون مذکور قرار داد. همان طور که پیداست این ماده در تضاد آشکار با موافقت‌نامه کشاورزی و اصل آزادی تجاری در سازمان جهانی تجارت است. بنابراین قانون گذار باید در راه پیوستن به سازمان جهانی تجارت این موانع قانونی را هموار کرده و در اولین گام، دست به اصلاح سیاست‌های حمایتی خود بزند.

پ) **قانون مقررات صادرات و واردات (۱۳۷۲):** یکی دیگر از مظاهر دخالت دولت در بخش کشاورزی در جهت حمایت از کشاورزی داخلی، در ماده ۱۴ قانون مذکور جلوه‌گر شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «کلیه وجوه دریافتی گمرک و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان از ورود کالایی که در فرآیند تولید کالای صادراتی مصرف می‌شوند قابل استرداد است.» از آنجایی که این ماده عام است، هم محصولات و کالاهای صنعتی و هم محصولات و فرآورده‌های کشاورزی را در بر می‌گیرد. دولت با اقدام به استرداد کلیه کالاهایی که در فرآیند تولید کالا به کار می‌رود، در جهت حمایت از صادرکننده داخلی، برای توسعه و افزایش صادرات اقدام می‌کند. همچنین تبصره یک ماده ۱۴۵ قانون برنامه پنجم توسعه^۱ در این راستا مقرر می‌دارد: «واردات نهاده‌های تولید بخش کشاورزی از قبیل بذر، نهال، کود و سم با هماهنگی و اخذ مجوز وزارت جهاد کشاورزی از اعمال تعرفه مؤثر، مستثنی می‌باشد».

همان‌طور که گفته شد همه این انواع یارانه ممنوع نیست و این یارانه‌های صادراتی است که مشمول ممنوعیت موافقت‌نامه قرار گرفته است.^۲ این نوع حمایتی که قانونگذار ایران در این ماده قائل شده است در چارچوب هیچ‌یک از یارانه‌های مجاز قرار نمی‌گیرد. به علاوه معافیت از پرداخت مالیات و تعرفه‌ها، علاوه بر این که با این اصل سازمان جهانی تجارت مبنی بر عدم اعمال تبعیض در تجارت و عدم حمایت تبعیض آمیز از کالای داخلی، مغایر است، با اصل تعهدات مربوط به کاهش حمایت داخلی در تضاد است. همچنین ماده ۱۴۶ قانون برنامه پنجم، دخالت دولت در جهت حمایت‌های حقوقی و مالی از تشکلهای حقوقی و تعاونی‌های تولید کشاورزی به منظور افزایش تولید و ارتقای بهره‌وری زمین‌های کشاورزی، را تجویز می‌نماید.

۱. بند (ب) ماده ۱۴۹ قانون برنامه پنجم توسعه این اجازه را به دولت داده است که با هدف تامین امنیت غذایی سطح کلی حمایت از بخش کشاورزی را به حداقل سی و پنج درصد (۳۵) برساند. این، یکی دیگر از مصادیق قانونی مغایرت با موافقت‌نامه کشاورزی است.

۲. برای آشنایی با انواع یارانه‌ها ر.ک:

محسن صادقی (مجری طرح)، «آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر یارانه‌های صادراتی بخش صنعت»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.

همان‌طور که بیان شد تمام این اقدامات دولت که با هدف تاثیر بر کشاورزی داخلی است، از مصادیق حمایت‌های دولت است. به‌طور کلی دولت باید سیاست خود را در جهت کاهش حمایت داخلی و فراهم کردن بازار رقابتی تنظیم کند.

ت) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی (۱۳۸۹): از قوانینی که اخیراً وضع شده و تضاد نسبتاً آشکاری با موافقت‌نامه دارد بخش اخیر ماده ۱۶ قانون مذکور است که دولت را مکلف می‌کند: «... به منظور حمایت از تولیدات داخلی، برای واردات کلیه کالاهای و محصولات بخش کشاورزی تعرفه مؤثر وضع نماید به‌گونه‌ای که نرخ مبادله همواره به نفع تولیدکننده داخلی باشد». بند (ب) ماده ۱۴۵ قانون برنامه پنجم توسعه همین مضمون را به عبارتی دیگر بیان می‌دارد.^۱ همان‌طور که به وضوح پیداست بیشترین حمایتی که دولت از بخش کشاورزی خود انجام می‌دهد، علاوه بر خرید تضمینی تولیدات کشاورزی، وضع تعرفه‌های شدید جهت جلوگیری از ورود کالاهای مشابه به کشور است. لذا دولت ایران باید کلیه قوانینی را که خرید تضمینی را جایز می‌داند، اصلاح کند.

ث) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (۱۳۸۶): نمونه دیگری از قوانین اخیر که می‌توان در این راستا مثال زد، بند (ج) ماده ۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است که بیان می‌دارد حمایت‌های زیر از شرکت‌های تعاونی انجام خواهد گرفت: «۱- کمک بلا عوض و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه برای تامین تمام یا بخشی از آورده شرکت تعاونی که اعضای آن جزو سه دهک اول درآمدی جامعه هستند...». در ابتدا باید گفت که شرکت‌های تعاونی می‌توانند مطابق ماده ۶۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ در قالب شرکت‌های تعاونی کشاورزی فعالیت کنند. پس امکان فعالیت شرکت‌های تعاونی در زمینه کشاورزی وجود دارد. بند یک به پرداخت کمک‌های بلاعوض به این شرکت‌ها پرداخته است. پرداخت مستقیم از قبیل مساعدت و وام‌ها در هر قالبی مطابق موافقت‌نامه کشاورزی و اصول سازمان جهانی تجارت ممنوع است.

بخش دوم) مقررات مغایر با اصل تعهدات مربوط به کاهش یارانه‌های صادراتی

الف) قانون مالیات‌های مستقیم (۱۳۸۱): یکی از قوانینی که به وضوح با اصل دسترسی به بازار در تضاد است، بند الف ماده ۱۴۱ قانون مذکور است که می‌نویسد: «صد درصد درآمد حاصل از صادرات ... محصولات بخش کشاورزی ... از شمول مالیات معاف هستند». ماده ۸۱ همان قانون نیز بیانگر معافیت درآمد کلیه فعالیت‌های کشاورزی از مالیات است. همان‌طور

۱. «... دولت مکلف است به منظور حمایت از تولیدات داخلی، برای واردات کلیه کالاهای و محصولات بخش کشاورزی تعرفه مؤثر وضع نماید به‌گونه‌ای که نرخ مبادله همواره به نفع تولیدکننده داخلی باشد».

که می‌بینیم این ماده با یکی از اصول گات مبنی بر الغای کلیه تبعیض‌ها، مخالف است؛ چرا که کالاها و خدمات تولید داخل نسبت به کالاها و خدمات وارداتی از امتیازها و مساعدت‌های مناسب‌تری برخوردارند (شیروی، ۱۳۹۰، ص. ۹۸). قبلاً بیان شد معافیت از مالیات در واقع معادل پرداخت یارانه است. این ماده از آنجایی که در تضاد آشکار با مقررات سازمان جهانی تجارت و اصول موافقت‌نامه کشاورزی است، قانونگذار در راه الحاق به سازمان جهانی تجارت، باید اقدام به حذف آن کند.

ب) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی: یکی دیگر از راهکارهایی که دولت ایران برای افزایش صادرات محصولات کشاورزی در پیش گرفته، اعطای کمک مالی مستقیم مالی است. به عنوان مثال یکی مصادیق دخالت دولت در بخش کشاورزی به منظور حمایت از این بخش ماده ۲۰ این قانون است که به دولت این امکان را می‌دهد در جهت تامین مالی طرح‌های بخش کشاورزی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی از هشت هزار میلیارد ریال به سی هزار میلیارد ریال افزایش دهد. این ماده صرفنظر از این که با این اصل سازمان جهانی تجارت دال بر الغای کلیه تبعیض‌ها مخالف است، در واقع با دو اصل موافقت‌نامه کشاورزی یعنی اصل تعهدات مربوط به کاهش حمایت داخلی و اصل کاهش یارانه‌های صادراتی در تضاد است. زیرا پرداخت این نوع یارانه به بخش کشاورزی داخلی، باعث تسهیل صادرات محصولات کشاورزی می‌شود. به همین جهت دولت باید در سال‌های آتی ضمن کاهش و حذف کمک مالی مستقیم به بخش کشاورزی، در جهت اصلاح این ماده برآید.

پ) قانون مقررات صادرات و واردات: ماده ۱۴ قانون مذکور^۱ در جهت تشویق صادرات کالاها بیان می‌دارد: «کلیه وجوهی که گمرک در رابطه با کالاها، مواد و اجزای مورد مصرف ساخت و بسته بندی کالاهای صادراتی اخذ می‌کند، به صادرکننده مسترد می‌گردد. از آنجایی که این، یک ماده عام است، محصولات کشاورزی را نیز دربرمی‌گیرد؛ لذا همان‌گونه که پیداست، قانونگذار درصدد ایجاد معافیت مالیاتی و حمایت از کالاهای صادراتی است. همچنین ماده مزبور یک نوع رفتار تبعیض آمیز را با کالای تولید داخل در پیش گرفته است. قانون گذار ایران در جهت الحاق به سازمان تجارت جهانی لازم است اقدام به اصلاح این مقرره کند.

۱. ماده ۲۰ همان قانون در جهت تشویق و توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی و از جمله محصولات کشاورزی بیان می‌دارد که یک درصد (۱٪) از کلیه وجوه دریافتی گمرک، از کلیه کالاهای وارداتی به بخش یارانه‌های صادراتی تعلق گیرد تا کالاهای برخوردار از یارانه بتوانند در بازار جهانی مطرح شوند.

بخش سوم) قوانین مغایر با اصل دسترسی به بازار

الف) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه: یکی از قوانین که تضاد آشکار با اصل دسترسی آزاد به بازار دارد، ماده ۱۰۳ این قانون است. مطابق این قانون، «برقراری موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی برای واردات در طول سال‌های برنامه به جز در مواردی که رعایت موازین شرع اقتضا می‌کند، ممنوع است. در صورت وجود چنین موانعی دولت مکلف است با وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای نسبت به رفع آن اقدام کند. تبصره- محصولات کشاورزی مشمول این ممنوعیت نیست». اگرچه این ماده در جهت حذف موانع غیرتعرفه‌ای کالاهای صنعتی (غیر کشاورزی) اقدامات موثری انجام داده است، اما متأسفانه صراحتاً بر محصولات کشاورزی موانع غیرتعرفه‌ای وضع کرده است. همانطور که دیده می‌شود، دولت، به صراحت برقراری موانع تعرفه‌ای را مجاز دانسته است. جای تعجب است که این قانون اخیراً از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است، در حالی که سیاست قانونی کشور باید در جهت تسهیل الحاق به سازمان تجارت، نه ایجاد مانع باشد.

ب و پ) قانون صادرات و واردات و قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی: می‌دانیم که برقراری موانع مختلف جهت ورود کالا، مخالف اصل دسترسی آزاد به بازار است. ماده ۸ قانون مذکور تا حدی دسترسی به بازار را با موانع مختلفی روبرو کرده است. به عبارت دیگر این ماده در ترخیص کالای ورودی، تشریفاتی مثل اخذ وثیقه یا ضمانت نامه معتبر بانکی را لازم می‌داند، که از محدودیت‌هایی است که باعث کاهش دسترسی آزاد به بازار می‌شود. دولت ایران در راه الحاق به سازمان جهانی تجارت باید اقدام به حذف این قبیل موانع تعرفه‌ای کند.

علاوه بر این، یکی از مشکلاتی که ورود کالا در کشور ما با آن روبروست، دریافت مجوزهای فراوان از ارگان‌های مختلف است. به عنوان مثال ماده ۴۰ قانون مذکور ورود کالا را فقط منوط به دریافت مجوز از گمرک می‌داند و هر طریقی غیر از این را قاچاق قلمداد کرده است. نمونه‌ای از قوانین جدیدی که در این رابطه می‌توان نام برد، ماده ۱۶ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی است. این متن قانونی بیان می‌دارد: وزارت صنعت، معدن و تجارت همه اشخاص حقیقی و حقوقی، از تاریخ تصویب این قانون، برای واردات کالاها و محصولات کشاورزی و یا مواد اولیه مورد نیاز صنایع غذایی، باید مجوز وزارت جهاد کشاورزی را اخذ نمایند. همین مفهوم را بند (ب) ماده ۱۴۵ قانون برنامه پنجم توسعه به شکل

دیگری بیان می‌دارد.^۱ در واقع، الزام به دریافت مجوز جهت ورود کالا به کشور و ایجاد موانع تعرفه‌ای، مخالف اصول سازمان جهانی تجارت می‌باشد (صباغیان، ۱۳۸۶، صص ۱۲-۱۴) که قانونگذار در جهت الحاق کشور به سازمان جهانی تجارت، باید اقدام به اصلاح این مقررات کند. به عبارت دیگر، در ایران، انحصار و دخالت زیاد دولت در بازرگانی خارجی به عنوان یکی از مهمترین موانع غیرتعرفه‌ای محسوب می‌شود.

در مجموع باید گفت که کالاهای کشاورزی ایران به طور کامل در گیر موانع غیرتعرفه‌ای است. در بسیاری از موارد اجازه ورود کالاها منوط به تصویب شورای اقتصاد، وزارت صنعت، و معدن و تجارت، وزارت کشاورزی و وزارت بهداشت و ... است که نشان دهنده اعمال کنترل‌های شدید بر ورود و صدور کالا است (کمیحانی، ۱۳۷۴، ص ۴۳۶).

نتیجه و پیشنهادها

کشور ما چه به سازمان جهانی تجارت بپیوندد، چه نپیوندد، اثرات آن دامنگیرش خواهد شد. ایران به عنوان کشوری که توانایی رقابت با سایر کشورها را دارد و در بعضی زمینه‌ها خصوصاً کشاورزی از مزیت نسبی برخوردار است، باید تلاش خود را در جهت الحاق به این سازمان بیشتر کند تا بتواند محصولات خود را در بازار جهانی عرضه کند و از این موقعیت استفاده کند. یکی از شرایط اصلی الحاق این است که بستر قانونی مناسبی برای این کار فراهم کند. به عبارت دیگر باید قوانین مغایر خود با سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های آن را شناسایی، آنگاه اقدام به اصلاح آنها کند. در طول مقاله با بعضی از قوانین ایران که با مقررات سازمان تجارت هماهنگ نبود آشنا شدیم؛ بعضی اصول قانون اساسی، قوانین و مقررات صادرات و واردات، قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، قانون مالیات‌های مستقیم، قوانین مربوط به تضمین خرید محصولات کشاورزی توسط دولت، قانون برنامه پنجم توسعه و ... از اهم قوانین و مقرراتی بودند که با اصول موافقت‌نامه کشاورزی همسو نبودند. در قالب این مقررات، دولت اقدام به خرید تضمینی محصولات، اعطای یارانه به بخش کشاورزی یا معافیت مالیاتی آن در قالب‌های مختلف، محدود کردن کالاهای خارجی از دسترسی به بازار، اعطای وام‌های مستقیم و بلاعوض از بودجه عمومی، اخذ مجوزهای مختلف جهت ورود کالا به بازار داخلی و ... کرده است. همه این‌ها از جمله طرق دخالت دولت در بخش کشاورزی است. ایران در اولین گام خود باید دست به اصلاح و گاه حذف

۱. «... از ابتدای برنامه، وزارت بازرگانی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی قبل از واردات کالاها و یا محصولات بخش کشاورزی اعم از خام و یا فرآوری‌شده و یا مواد اولیه غذایی موردنیاز صنایع غذایی و تبدیلی موظفند از وزارت جهاد کشاورزی مجوز لازم را اخذ نمایند...».

قوانین مغایر مذکور و وضع قوانین جدید جهت بسترسازی مناسب کشور در آستانه الحاق به سازمان جهانی تجارت بزند. بنابراین:

۱- دولت باید درصدد اصلاح سیاست‌های حمایتی خود بر آمده و میزان دخالت خود در بخش‌های مختلف و از جمله کشاورزی را کم کند. پس، از اعطای یارانه‌های فراوان به بخش کشاورزی خودداری کرده و بسترهای قانونی آن را نیز فراهم کند. به عنوان مثال قوانین مربوط به تضمین خرید محصولات کشاورزی یا معافیت‌های مختلفی که از این بخش می‌شود، کم گردد. ایران باید در این راه، از میزان حمایت خود تا حد زیادی بکاهد و بازارهای خود را برای رقابت بین‌المللی بازگشاید. اولین قدم، برداشتن موانع قانونی است.

۲- ایران، اگر در هدفش نسبت به عضویت در سازمان جهانی تجارت مصمم است، باید رویکرد قانونی خود را به سمت و سوی سوق دهد که حمایت‌های غیرمجاز از بخش کشاورزی کم شود. دیدیم که در قوانین سال‌های اخیر به خصوص از سال ۱۳۸۸ به بعد، قانونگذار بر خلاف اصول سازمان جهانی تجارت عمل کرده و چند قانون از تصویب مجلس گذشته که حاکی از تشدید تجویز دخالت دولت در این بخش است. ضمن اصلاح این حمایت‌ها، سعی شود بخش کشاورزی، توسط خود کشاورزان اداره شود.

۳- باید به گونه‌ای عمل شود که تمام موانع غیرتعرفه‌ای مثل اخذ مجوزهای فراوان جهت ورود کالا کم شده و در طول زمان به موانع تعرفه‌ای تبدیل شود و نهایتاً حذف گردند؛ زیرا ویژگی موانع تعرفه‌ای این است بر خلاف موانع غیرتعرفه‌ای روشن و مشخص هستند.

۴- باید توجه داشت، الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت فرصت خوبی است تا محصولات کشاورزی ایرانی در تمام نقاط جهان عرضه شده و کشاورزی و اقتصاد ما توسعه چشم‌گیری یابد.

۵- عضویت در سازمان خود ریسک بزرگی است که البته بعد از گذشتن مدتی تبدیل به سود می‌شود. ایران هر چه بیشتر در زمینه عضویت در سازمان تردید کند و این فرآیند را به عقب بیندازد در واقع فرآیند عضویت خود را سخت‌تر کرده است.

۶- نکته آخر این که در این مقاله مقررات مغایر اصول موافقت‌نامه شناسایی شده و به دست‌اندر کاران کشور توصیه شد که در جهت اصلاح و حذف آن اقدام کنند و ضمن استفاده از افراد متخصص و زبده در این زمینه جهت کاهش آزمون و خطای آن، سیاست‌های کشور در آینده طوری برنامه‌ریزی شود که ضمن اصلاح این

قوانین، مقررات مناسبی جهت بسترسازی بخش کشاورزی کشور در راه عضویت در سازمان وضع گردد. در این راستا اخیراً قانونگذار گامی روشن و مهم در جهت یکسانسازی قوانین با اصول سازمان جهانی تجارت برداشته و سیاستمداران و قانونگذاران آتی را در این راه یاری داده و در واقع یک تکلیف قانونی به بار آورده است که «دولت موظف است ضمن ایجاد همسویی قوانین و مقررات بخش تجاری کشور با قوانین و مقررات اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله سازمان جهانی تجارت، نسبت به آماده سازی و توانمندسازی ارکان اقتصادی کشور برای عضویت در سازمان توسعه تجارت جهانی اقدام قانونی نماید» (ماده ۱۰۴ قانون برنامه پنجم توسعه).

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت (۱۳۸۶)، ترجمه گروه مترجمان، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۲. امید بخش، اسفندیار (مسئول طرح) (۱۳۸۸)، فرایند الحاق به WTO (تجربیات کشورهای منتخب)، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۳. زارع، محمدحسن (۱۳۸۸) (الف)، الزامات حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در بخش یارانه‌ها، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۷.
۴. زارع، محمد حسن (۱۳۸۸) (ب)، صادقی، هادی، کمالی، اردکانی، مسعود، مرادپور، فرزاد و نصیری، میترا، دسترسی به بازار در سازمان جهانی تجارت وظیفه ای نا تمام، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
۵. سیدی، هادی (۱۳۷۵)، اثر الحاق یا عدم الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بخش کشاورزی، برگزیده مقالات سمینار کشاورزی ایران و بازار جهانی، بی تا.
۶. سیدی، میر هادی (۱۳۸۵)، موافقت نامه کشاورزی، مندرج در مجموعه آموزشی سازمان تجارت جهانی، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی (دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری).
۷. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰)، حقوق تجارت بین الملل، چاپ سوم، تهران، سمت.
۸. صادقی، محسن (مجرى طرح) (۱۳۸۵)، آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر یارانه‌های صادراتی بخش صنعت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۹. صباغیان، علی (۱۳۸۶)، تاثیر جهانی شدن بر روند الحاق چین به سازمان تجارت جهانی، فصل نامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۶ و ۷، پاییز و زمستان.
۱۰. کمیجانی، اکبر (۱۳۷۴)، تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی کشورها به گات و آثار اقتصادی الحاق ایران، تهران، وزارت امور اقتصاد و دارایی.

ب- خارجی

1. Agreement on agriculture, available at: http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/14-ag_01_e.htm, last visited: 20/11/2012.
2. Agreement on Subsidies and Countervailing Measures (SCM Agreement), WTO, available at: http://www.wto.org/english/tratop_e/scm_e/subs_e.htm, last visited: 20/11/2012.

3. Bagwell, Kyle W., George A. Bermann, Petros C. Mavroidis (2010), **Law and Economics of Contingent Protection in International Trade**, CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
4. Bonilla, E. Diaz (2006), **WTO Negotiations And Agricultural Trade Liberalization: The Effect of Developed Countries Policies on Developing Countries**, Cambridge, new York, CABI North American Office.
5. Capbell Black, M. A., Henry (1990), **BLACK'S LAW DICTIONARY**, Sixth Edition, West publishing co.
6. Cardwell, Michael N, Margaret Rosso Grossman, Christopher P. Rodgers (2003), **Agriculture And International Trade Law**, Policy and the WTO, CABI Publishing.
7. Chen, Chunlai And Ron Duncan (2008), **Agriculture and Food Security in China, What effect WTO accession and regional trade arrangements?** Canberra, Asia Pacific Press The Australian National University.
8. Clapp, Jennifer (2006), **Developing Countries and the WTO Agriculture Negotiations**, The centre for international governance innovation, Working Paper No. 6, available for download at: www.cigionline.org.
9. Echols THE, Marsha A. (1981), Section 301: Access to Foreign Market From An Agricultural Perspective, **International Trade Journal**.
10. Figueroa, Miguel Antonio (199۰), **The GATT and Agriculture: Past, Present, and Future**, **The Kansas Journal of Law & Public Policy**.
11. Gonzalez, Carmen G (2002), **Institutionalizing Inequality: the WTO Agriculture and Developing Countries**, COLUMBIA JOURNAL OF ENVIRONMENTAL LAW Vol. 27:2, available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=987945.
12. Hoekman, Bernard M. and Michel m kostecki (2002), **The political economy of the word trading system: the wto and beyond**, oxford university press, third edition.
13. Ingco, Merlinda D. And John D. Nash (2004), **Agriculture and the WTO Creating a Trading System for Development**, Washington DC, A copublication of the World Bank and Oxford University Press.
14. Melendez ortz, Ricardo (2009), Christophe bellamm and Jonathan Heburn, **Agricultural subsidies In the WTO green box (Ensuring Coherence with Sustainable Development Goals)**, Cambridge University PRESS.
15. Schoenbaum, Thomas J. (1993), **Agricultural trade war: A threat To The GATT And Global Free Trade**, ST MAR Y'S LAW JOURNAL, Vol. 2.
16. Smith Fiona and Edward Elgar (2009), **Agriculture and the WTO: Towards a New Theory of International Agricultural Trade Regulation**, UK, Edward Elgar Publishing Limited.